

این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را باز نشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب دیده شود.



دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۲ | ۲۶ رمضان ۱۴۴۴ | روزنامه جوان | شماره ۶۷۳۳ | **گایبران**

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به علنی شدن همراهی هیچکس با سازمان منافقین «یه روز خوب میاد» یعنی ۲ تروریست می‌آیند!

اشکان فدایی، از اعضای گروه موسیقایی ملتفت، افشا کرد که سروش لشکری، خواننده رب فارسی معروف به هیچکس، غصور سومی سازمان منافقین است و آزاده اکبری، همسر سروش، و پدر مادرش هم از اعضای قدیمی سازمان مجاهدین خلق هستند. این خبر با واکنش‌های بسیاری در شبکه‌های اجتماعی همراه بود. کاربران این خبر را نشانی از دست‌های پشت پرده حمایت



بعد از افشای ارتباط حامد اسماعیلیون و سروش هیچکس با منافقین مشخصه این گروهک تروریستی یکی از مهم‌ترین حلقه‌های برنامه‌ریزی و عملیات آشوب‌های اخیر بوده است؛ یعنی رجویست‌ها فقط فر توت‌های پشت مانی‌تور نیستند و نباید تصویر آنها رو آنقدر مضحک کرد که خودمون هم باورمون بشه!

علی جهان‌آرا:

ماجرای ارتباط این انسان نفرت انگیز یعنی هیچکس با مریم رجوی دیگه اظهر من‌الشمس گردیده است و ۴۰۰ هزار دلاری هم که چند ماه قبیل گرفت هم اصلا برابرم مهم نیست ولی چیزی که با چشمان خودم در این ۴۰ سال مشاهده کردم شکست اپوزیسیون بوده است، همیشه قصد براندازی این‌ها به خود آنها بازگشته و با تفرقه بین خودشان باعث

براندازی خودشان می‌شوند و تک‌تک آنها رسوا می‌شوند.

محمد شیروانی:

اپوزیسیون؟! مصی‌علینژاد که از امریکا پروژه اغتشاش می‌گیرد، هیچکس و اسماعیلیون که علنا بنده و برده و جیره خور منافقین هستند، پهلوی که از عربستان تا موساد از سیا تا M۱6 هر جا پول باشد برایشان دم تکان می‌دهد. نازنین بنیادی هم چون اینجا خانواده رد می‌شوند نمی‌شود گفت! بیگانتگان فارسی زبان!



اما به اعتقاد دانشمندان علوم رفتاری، آن محرکی که این انسان را برای رفتاری به حرکت وامی‌دارد، انگیزه است. مادامی که کوهی از ارزش‌ها، تجارب و علم در این انسان وجود داشته باشد اما انگیزه وجود نداشته باشد مانند انبار باروتی است که بدون جرقه هیچ انرژی نخواهد داشت. به زبان مهندسی، انگیزه، گرمای احتراق موتور انسان است.

به تعبیر «گرت مورگان» در سازمان‌ها نیز اگر با استعاره سازمان به مثابه موجود زنده نگاه کنیم، «انگیزش» گرانیهگاه هنر رهبری سازمان است. به طوری که اگر تا چند دهه گذشته تئوری‌های آدم اسمیت و تیلور، سازمان‌ها را به سمت بهره‌وری سوق می‌داد، در تقو «پارادایم



دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۲ | ۲۶ رمضان ۱۴۴۴ | روزنامه جوان | شماره ۶۷۳۳ | **گایبران**

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به علنی شدن همراهی هیچکس با سازمان منافقین «یه روز خوب میاد» یعنی ۲ تروریست می‌آیند!

برخی از گروهک‌های تروریستی و سران کشورهای غربی از اغتشاشات در ایران دانستند. توثیت تکذیبیه هیچکس نیز توجه مخاطبان را جلب نکرد و آنها این توییتر را تلاشی برای فرار از پندنامی دانستند؛ آنها به توثیتی از رعنا رحیم‌پور اشاره کردند که چندی قبل خبر از دریافت ۴۰۰ هزار دلار از سوی هیچکس می‌داد. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران را مرور کرده‌ایم.



کاربری با نام «پلدا»:

بنده خدا رعنا رحیم‌پور قبل از رفتنش از بی‌بی‌سی، می‌گفت این جنور خیلی خطرناکه ما باور نمی‌کردیم؛

نوید مستقیضی:

تکذیب سروش هیچکس، ماله کثسی برای فرار از تنفر مردم از تروریست‌های سازمان منافقین، البته که نوع ادبیات خرابکارانه‌اش در اغتشاشات نشون میده مادر زنش خوب پیش آش داده.

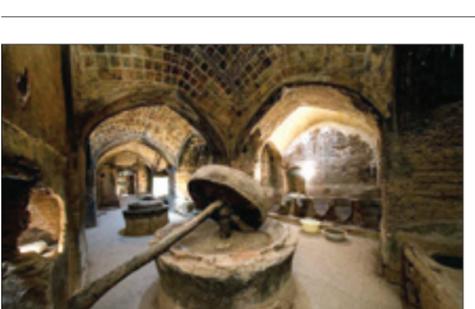
کاربری با نام عیار:

آها؛ پس وقتی هیچکس می‌خوند به روز



اما به اعتقاد دانشمندان علوم رفتاری، آن محرکی که این انسان را برای رفتاری به حرکت وامی‌دارد، انگیزه است. مادامی که کوهی از ارزش‌ها، تجارب و علم در این انسان وجود داشته باشد اما انگیزه وجود نداشته باشد مانند انبار باروتی است که بدون جرقه هیچ انرژی نخواهد داشت. به زبان مهندسی، انگیزه، گرمای احتراق موتور انسان است.

به تعبیر «گرت مورگان» در سازمان‌ها نیز اگر با استعاره سازمان به مثابه موجود زنده نگاه کنیم، «انگیزش» گرانیهگاه هنر رهبری سازمان است. به طوری که اگر تا چند دهه گذشته تئوری‌های آدم اسمیت و تیلور، سازمان‌ها را به سمت بهره‌وری سوق می‌داد، در تقو «پارادایم



خاطره رهبر انقلاب از روایت مرحوم آیت‌الله خوشوقت درباره مکاشفه یکی از علما

کانال «KHAMENEI. IR» در پلتفرم «ایتا» خاطره‌ای را از رهبر انقلاب درباره روایت مرحوم آیت‌الله خوشوقت(ره) درباره مکاشفه یکی از علما، به اشتراک گذاشت. رهبر انقلاب مورخ ۹۵/۸/۱۹ فرموده‌اند: خدا رحمت کند، مرحوم آقای خوشوقت می‌گفت یک عارفی در مکاشفه دید که آنجا یک سکوی بلندی است، این جوان‌ها همین طوری می‌آیند و با یک جست می‌پرند روی آن سکوی. این عارف مکرر پرید و هر کار کرد نتوانست و افتاد زمین. بعد ملتفت شد که آنها جوان هستند

و این پیر است. در عالم معنویت هم همین است، در سلوک هم همین است، در مشاهده رؤیت الهی و جمال الهی هم همین است؛ آنجا هم آمادگی جوان بیشتر است، بهتر می‌تواند پرواز کند و می‌تواند راه‌های بلند را ببرد. پیرها تا بیایند به خودشان بچینند وقت گذشته و بعد هم نشان اجازه نمی‌دهد. الحمدلله این مفاهیم در دل شما جوان‌ها روید.



نیست که نباید استارت‌آپ‌های جدید تأسیس کرد یا نباید به سمت این موج فراگیر حرکت کرد، بلکه شناخت قواعد و چارچوب‌های بناکردن استارت‌آپ و پیروی از اندیشه‌هایی که امکان موفقیت را افزایش می‌دهد، ضروری است. در دنیای آینده از سوسه استارت‌آپ‌ها پیداکردن ساحلی امن و خلق مفهومی تجاری به‌عنوان زیربنای سازمانی موفق، به دانش و شناختی عمیق از شیوه‌ها و کارکردهای شرکت‌های نوپا دارد. نویسندگان کتاب، دو برادر جوان و البته نابغه‌اند، که دهها استارت‌آپ را یا راه‌اندازی کرده‌اند یا کمک کرده‌اند که سرپا شوند. این کتاب، نمایانگر تجارب ارزشمند این دو برادر است که بر از مثال‌های واقعی از دنیای استارت‌آپ‌هاست.



ماندن فقط یک انگیزه دارم. تداوم خدمت به اسلام و انقلاب.

خبر از نشست رونمایی کتابش در زمینه سینما و جامعه داد و دعوت کرد تا برای صحبت در آن جلسه حضور پیدا کنم. جلسه‌ای که البته هرگز برگزار نشد. برابم جالب بود که در آن حال وضعیت هم تأمل و تفکر و قلم را کنار نگذاشته است. برای آماده شدن این کتاب آخر هم خیلی به زحمت افتاده بود. با وجود آغاز مراحل درمان، همچنان در جلسات و نشست‌ها پر شور و جدی و پر دغدغه شرکت می‌کرد. اردادیهشت سال گذشته در همایش حکمت مطهر درباره عدالت سخنرانی پرشوری کرد. در ماه‌های اخیر در برخی جلسات می‌دیدم که رمق و توانش بسیار کاسته شده بود. گاه می‌گفت دیگر نمی‌توانم ادامه دهم.

نمی‌دانم چه تقدیری بود که در دو دهه گذشته سه نوبت در راه‌های زندگی مدتی همسفر شدیم. اولین بار در سال ۱۳۸۰ در شبکه یک سیما، بعد در سال ۱۳۹۵ در شورای پروانه نمایش سینما، و نهایتاً از اوایل ۱۴۰۱ در شورای پژوهشی پژوهشگاه وزارت ارشاد. اختلاف‌نظر هم طبعاً گاه پیش می‌آمد. اما گوهر صدق و اخلاص و آزادگی چنان در وجود او می‌درخشید که توجه و علاقه هر مباحثی را جلب می‌کرد. زبان صریح و شجاعت او در بیان مواضع گاه برخی را که صرفاً سخنان او را از منظر سیاسی درک و فهم می‌کردند به مخالفت و حتی حملات متقابل وامی‌داشت. اما او سیاستمدار نبود. دغدغه اصلی او جامعه و عدالت بود، البته از منطری توحیدی. براساس چارچوب‌های جناحی سخن نمی‌گفت. به همین دلیل سیاسيون اغلب از او سرخورده می‌شدند. در فراز و نشیب‌ها و تلاطم‌های روزگار ایمان استوار، روح تعبد و محبت اهل بیت(ع) در وجودش حفظ شد. اهل ذکر و خلوت و معنویت بود. و خوشا به سعادت او. آیا جز روحی وارسته و آزاده را به چنین بازگشتی در سحرگاه شب قدر پاداش دهند؟ سلام و درود و رحمت خداوند بر او. باشد که در معیت مرادش حضرت روح الله(ره) مهمان سفره کرامت و مشمول عنایات خاصه امیرالمؤمنین(ع) باشد. و خدا عاقبت ما را ختم به خیر کند. پ. ن: یک خاطره شیرین هم از او بگویم. در اولین جلسه‌ای که در شبکه یک داشتیم، یک نفر به دلیل شباهت نام کوچک او را با عمادالدین باقی اشتباه گرفته بود. در پاسخ به او گفتم: «من عمادم بی‌دنه ولی دینم باقیه»!



عصارخانه کجاست؟

صفحه توییتری «ایران باشکوه» نوشت: اینجا عصارخانه کهنک قم است. عصارخانه جایی است که در آن شیره انگور یا روغن نباتی گیرند و عصار کسی است که از دانه‌های گوناگون چون کرکج و کنجد روغن گیرد. در عصارخانه روغن‌های گوناگون تولید می‌شده که برای تأمین روشنایی، رنگ‌آمیزی، صابون‌سازی و ابزارهای کارگاهی به کار می‌رفته است.